إني أمان لأهل الأرض، كما أن النجوم أمان لأهل السماء

من مایه امان اهل زمینم ؛ چنان که ستارگان مایه امان اهل آسمان اند.

تازه‌های نشر

انسان از منظر امیرالمؤمنین(ع) در «شرح حدیث اربعمائه»

جلد دوم کتاب «شرح حدیث اربعمائه(اجمالی از خصائص انسان از منظر حضرت امیر(ع))» شرح حدود ۷۰فراز از فرازهای حدیث شریف چهارصدگانه امیرالمؤمنین(ع) اثر آیت‌الله تحریری است.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام محمود تحریری، مدیر مؤسسه صراط مستقیم با اعلام این خبر گفت: جلد دوم کتاب «شرح حدیث اربعمائه» جدیدترین اثر آیت‌الله تحریری است که پس از استقبال گسترده مخاطبان در ایران و شیعیان در کشورهای همسایه از جلد اول این اثر که مشتمل بر ۱۰۰ فراز از این حدیث بود، منتشر شد.

وی ضمن بیان توضیحاتی در خصوص حدیث «اربعمائه» تصریح کرد: منبع این حدیث شریف دو کتاب «خصال» و «تحف العقول» است، البته مرحوم علامه مجلسی نیز به نقل از شیخ صدوق این حدیث شریف را در جلد ۱۰ بحارالانوار آورده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین تحریری افزود: در میان این ۴۰۰فراز از حدیث شریف، مطالب طبی، فقهی، اعتقادی، اخلاقی و معرفتی وجود دارد و حتی بعضاً با اشاره به آیات قرآنی، در واقع به نوعی گریزهای تفسیر قرآن نیز در آن یافت می‌شود؛ از این رو این حدیث شریف می‌تواند در ساحات مختلف حیات انسانی مورد استفاده قرار بگیرد.

به نظر می‌رسد این حدیث در واقع ارائه یک الگوی مناسب برای چگونه زیستن و پرداختن به سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود.

وی با اشاره به ویژگی‌های این اثر افزود: نقطه قوت و تمایز این اثر از دیگر آثار استاد و دیگر آثار مشابه در زمینه شرح احادیث اهل بیت(ع)، اتکا و اکتفا به لبّ و جان کلام اهل بیت(ع) بوده است؛ در واقع، سعی شده دسته‌بندی کتاب به صورتی باشد که طلاب و به‌خصوص مبلغانِ سبک زندگی اسلامی با در دست داشتن این کتاب روی منبر و ایام تبلیغی به سهولت بتوانند نکات هر فراز را برای مخاطبان به سلیس‌ترین بیان تشریح کنند؛ از این نظر، بیانات استاد در هر فراز ثبت و ضبط و سپس تا حد امکان خلاصه شده و ذیل هر فراز هشت نکته دارد. مدیر مؤسسه صراط مستقیم تبیین کرد: از دیگر نقاط قوت این کتاب، استفاده از منابع متقدم و ارجاع به متون دست اول حدیثی و روایی است؛ در واقع، سعی بر این بوده که ارجاع به کتاب‌های حدیثی متأخر و سده‌های اخیر به کمترین حد ممکن باشد.

وی گفت: خصوصیت بارز کتاب «اربعمائه» بیان سلیس و چکیده‌وار مطالب ذیل هر عنوان و فراز از حدیث یاد شده است که به صورت شماره‌بندی ذکر شده تا علاوه بر تسهیل استفاده عموم مخاطبان، موجب سهولت استفاده طلاب و مبلغان در امر تبلیغ و منابر شود.

تحریری به برخی از مباحث جلد دوم کتاب اشاره و اظهار کرد: با مطالعه این اثر می‌توان به پاسخ ده‌ها سؤال دست یافت که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ماهیت فقر چیست؟ صالح از طایفه جن کیست؟ انتظار فرج چه ابعادی دارد؟ پنج زمان استجابت دعا کدام است؟ تأثیر دعا بر قضای الهی چگونه است؟ و....

موعظه

حجت‌الاسلام علوی تهرانی

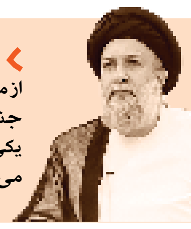

رعایت نکردن حقوق همسایه حسنات را پاک می‌کند

از مؤلفه‌های رسیدن به حکمت الهی، رعایت حقوق همسایه است. جناب لقمان به مرد یهودی فرمودند: برای رسیدن به حکمت الهی، یکی از عوامل این بود که حقوق همسایه را رعایت کردم. قرآن کریم می‌فرماید: خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و دور و همنشینان و همراهان و در راه‌ماندگان و بردگان نیکی کنید، قطعاً خدا کسی که فخرفروش و متکبر است را دوست ندارد. امام صادق(ع) فرمودند: از هر طرف خانه شما، ۴۰ خانه، همسایه نزدیک می‌شود و اگر از این مرز بیشتر بود، همسایه دور محسوب می‌شود. تفاوت همسایه نزدیک و دور در احسان به آن‌هاست نه در حقوق آن‌ها، حقوق مربوط به هر دو همسایه نزدیک و دور است، اما احسان همسایه نزدیک مقدم بر همسایه دور است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: با همسایه خود ارتباط خوب برقرار کنید تا مؤمن باشید. همچنین فرمودند: کسی که بمیرد و سه همسایه داشته باشد که این سه از او راضی باشند، اهل بهشت است. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: کسی که همسایه خود را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند، خدا را آزار رسانده، کسی که با همسایه خود نزاع کند، نزاع او با من است و کسی که با من نزاع داشته باشد، نزاع با خدا دارد. حضرت فرمودند: انسان‌ها با هر کسی که دوست دارند، در قیامت محشور می‌شوند، مراقب باشید کسی را دوست داشته باشید که حشر با او معنا داشته باشد. اگر خدا و رسول خدا را دوست دارید، دارای سه خصلت راست‌گویی، رد امانت و همسایه‌داری باشید. ایشان در ادامه فرمودند: خداوند هر چیزی از حسنات را بخواهد پاک می‌کند و هر چیزی را بخواهد می‌نویسد، نامه عمل ما دست خداست. رعایت نکردن حقوق همسایه، حسنات را پاک می‌کند. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: اگر همسایه نزدیک و دور کمک خواست، باید به او کمک کنید و اگر قرض خواست باید به او قرض دهید، نیازمندی همسایه را باید برطرف کنید، اگر بیمار شد عیادتش کنید و اگر از دار دنیا رفت، در تشییع جنازه او شرکت نمایید. امام سجاد(ع) فرمودند: حق همسایه بر تو این است که زمانی که نیست، از خانه او و همسر و فرزندانش نگهداری کنی، زمانی که حاضر بود باید او را عزیز بداری و هر وقت مورد ظلم قرار گرفت، او را یاری کنی و به دنبال پنهان‌کاری زندگی همسایه نباشی، اگر دارای خصلت بدی بود، آن را بپوشان و در سختی‌ها او را رها نکن.

مهدویت

در نشست «مهدویت و فرجام متعالی تاریخ از منظر شهید مطهری» مطرح شد

با ظهور موعود تاریخ مفهوم پیدا می‌کند

حجت الاسلام محمود ملکی‌راد عنوان کرد: بر اثر مزاحمت ظالمان و زورگویان تا امروز بشر نتوانسته به کمال لایق خود برسد. پس لازم است روزی فرا برسد تا به این خواست فطری بشر پاسخ داده شود و آن روز با ظهور منجی موعود امام مهدی(عج) محقق خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت‌الاسلام محمود ملکی‌راد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در نشست «مهدویت و فرجام متعالی تاریخ از منظر شهید مطهری(ره)» گفت: معنا داشتن تاریخ در سایه اعتقاد به منجی آخرالزمان، یکی از دلایل عقلی بر اندیشه منجی موعود و مهدویت است.

بر اساس «فلسفه تاریخ» روند طولانی مدت تاریخ دارای هدف، غایت و معنای مشخصی است که در جامعه موعود الهی که بشریت به اوج سعادت و کمال مادی و معنوی خود خواهد رسید محقق می‌شود. در حقیقت ظهور «منجی موعود»، سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است.

بر این اساس توجه به معنا داشتن تاریخ و ترسیم هدفمندی برای آن، در فکر و ذهن بشریت سایه انداخته و او را متوجه فرجام متعالی تاریخ ساخته است. فلسفه تاریخ مبتنی بر باور به منجی موعود (مهدویت) فرجام متعالی را برای بشریت ترسیم می‌کند و به میل فطری کمال‌خواهی انسان پاسخ درخوری می‌دهد که بر اساس آن زمانی فرا می‌رسد که بشریت به تکامل لازم خود خواهد رسید. وجود چنین میل و گرایشی در انسان بیانگر آن است که این میل را خداوند از روی حکمت و مصلحت در او قرار داده و هرگز عبث و لغو نیست. از طرفی بر اثر مزاحمت ظالمان و زورگویان تا امروز بشر نتوانسته به کمال لایق خود برسد. پس لازم است روزی فرا برسد تا به این خواست فطری بشر پاسخ داده شود و آن روز با ظهور منجی موعود امام مهدی(عج) محقق خواهد شد. شهید مطهری(ره) با توجه به این مطلب یادآور می‌شود: انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود. در نتیجه «...زندگی بشر در آینده به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی می‌شود. از جمله آثاری که در آن وجود خواهد داشت، آشتی انسان و طبیعت است؛ زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه این‌ها خود، تکامل تاریخ است».

ملکی عنوان کرد: این مطلب ما را به ضرورت آمدن نجات‌بخش و رسیدن انسان به عدالت و سعادت و کمال مطلوب خود در آخرالزمان نوید می‌دهد. بر این اساس لازم است روزی فرا برسد تا بدون هیچ مزاحمتی زمینه‌های تحقق کمال در انسان فراهم آید. در اندیشه اسلامی از چنین روزی به عصر ظهور امام مهدی(عج) یاد شده است. زیرا نوید داده شده با آمدن او زمینه‌های مختلف عقلانی، فکری و علمی برای بشر فراهم می‌آید و در نتیجه بشریت به سطح قابل قبولی از فرهیختگی و کمال می‌رسد. در روایات مرتبط با عصر ظهور به این نکته اشاره و کمال عقلانی و فرهیختگی بشریت یکی از ویژگی‌های آن عصر دانسته شده است. پس معناداری تاریخ و کشف غایت و هدف آن، می‌تواند منشأ توجه انسان‌ها به ظهور مصلح و منجی موعود امام مهدی(عج) باشد.

■ آرمان قیام و انقلاب مهدی(عج) یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است

حجت‌الاسلام محمود ملکی راد ادامه داد: شهید مطهری(ره) در این خصوص یادآور می‌شود: «تاریخ مانند خود طبیعت به حکم سرشت خود متحول و متکامل است. حرکت به سوی کمال لازمه ذات اجزای طبیعت و از آن جمله تاریخ است. تحول و تکامل تاریخ تنها جنبه فنی و تکنیکی ابزاری و آنچه به آن «تمدن» نام می‌دهند، ندارد بلکه گسترده و همه‌جانبه است؛ همه شئون معنوی و فرهنگی انسان را دربرمی‌گیرد و در جهت آزادی انسان از وابستگی‌های محیطی و اجتماعی است. انسان در اثر همه‌جانبه بودن تکاملش، به‌تدریج از وابستگی‌اش به محیط طبیعی و اجتماعی کاسته و به نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده و ایمان و ایدئولوژی، افزوده است و در آینده به آزادی کامل معنوی یعنی وابستگی کامل به عقیده و ایمان و مسلک و ایدئولوژی خواهد رسید. انسان به‌تدریج از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان ایده‌آل و جامعه ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود تا آنجا که در نهایت امر، حکومت عدالت یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل، حیوان‌مآبانه، خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود. آرمان قیام و انقلاب مهدی(عج) یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از اینکه الهام‌بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی».

از منظر شهید مطهری(ره) با ظهور امام مهدی(عج) تاریخ معنی و مفهوم پیدا می‌کند و متعالی می‌شود و هدفمندی برای آن قابل ترسیم خواهد بود. «مسئله مهدویّت در اسلام- و به‌خصوص در تشیع- یک فلسفه بزرگ است، اعتقاد به ظهور منجی است، نه در شعاع زندگی یک قوم و یک ملت و یا یک منطقه و یا یک نژاد بلکه در شعاع زندگی بشریت است. مربوط به این نیست که یک منجی بیاید و مثلاً شیعه یا ایران یا آسیا و یا مسلمانان جهان را نجات دهد، مربوط به این است که یک منجی و مصلح ظهور کرده و تمام اوضاع زندگی بشر را در عالم دگرگون کند و در جهت صلاح و سعادت بشر تغییر دهد». در واقع «مسئله‌ای که اکنون همه ادیان درباره حضرت حجت «منجی» پیش‌بینی می‌کنند -که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد- همان پیش‌بینی تکامل تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی می‌شود که از جمله آثاری که در آن وجود دارد، آشتی انسان و طبیعت است، بدان معنی که زمین تمام معادن خود را و آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه این‌ها خود، تکامل تاریخ است».

در نتیجه از منظر شهید مطهری(ره) اعتقاد به مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است، چون اسلام یک دین جهانی و تشیع به معنی واقعی‌اش یک امر جهانی است. این را ما باید به صورت یک فلسفه بزرگ جهانی تلقی کنیم.

برش گفت‌وگو

معنای‌قرآنی عزت

معنای عزت، داشتن ثروت و قدرت نیست بلکه معنای عزت، صلابت و نفوذناپذیری است. حال توجه کنید که پیش از انقلاب اسلامی، آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند، مردم حتی یک فرد از مسئولان یک شهر و روستا را نمی‌توانستند تعیین کنند ولی با لطف الهی پس از انقلاب و جانفشانی‌ها، این انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم‌سالاری و اراده ملی و اتکا به توانایی داخلی و امثال آن، برای ایران و ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» عزت‌آفرینی کرد.

بررسی اندیشه قرآنی رهبر انقلاب از زبان حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی

خاستگاه قرآنی مفاهیم بیانیه گام دوم

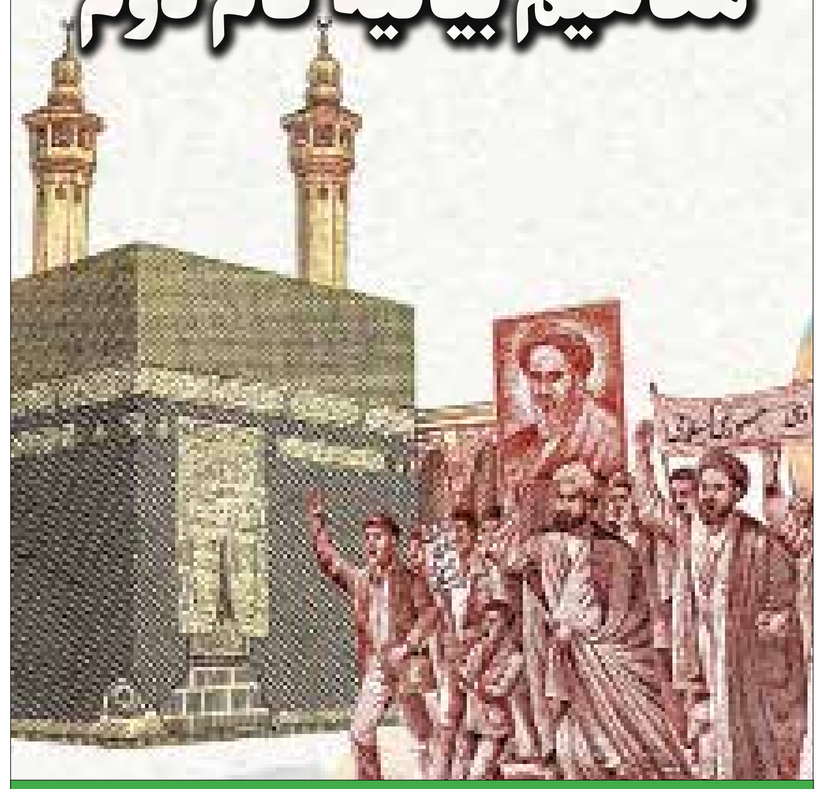

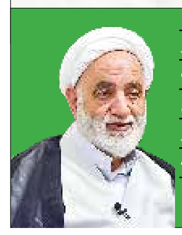

گزیده

این بیانیه نتیجه عمری تجربه همراه با تقوا و بصیرت و قرار گرفتن در خط فکری اهل‌بیت(ع) است؛ ازاین‌رو، ضروری است که مبانی قرآنی و روایی این بیانیه مهم مورد ارزیابی و تحلیل قرآنی و روایی قرار بگیرد. به اعتقاد من، روح این بیانیه عبارت از خوش‌بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.

Khamenei.ir | بیانیه «گام دوم انقلاب» را می‌توان چشم‌انداز و افق آینده انقلاب اسلامی توصیف کرد. نگارش چنین سندی نسبت مستقیمی با منظومه فکری، اندیشه‌ای و جهان‌بینی توحیدی دارد. از همین نظر تحلیل آن با رویکرد قرآنی و روایی می‌تواند مجرایی برای فهم مبانی قرآنی رهبر انقلاب باشد. در همین راستا هفته‌نامه خبری تحلیلی خط حزب‌الله (وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای) در ویژه‌نامه قرآنی که با عنوان «خط هدایت قرآنی» به مناسبت فرارسیدن عید سعید فطر و در پایان ماه مبارک رمضان منتشر کرده، به منظور بررسی اندیشه قرآنی رهبر انقلاب با شخصیت‌های قرآنی از جمله حجج اسلام محسن قرائتی، علی خیاط و نجف لکزایی گفت‌وگو کرده و مروری بر فعالیت‌های قرآنی، کتب تفسیری و خاطرات رهبر انقلاب داشته است. آنچه می‌خوانید گفت‌وگویی است که این نشریه با حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی انجام داده است. ایشان یکی از اساتید شناخته شده حوزه تفسیر و یکی از فعالان موفق قرآنی است که چند دهه از عمر خود را برای نزدیکی بین فرهنگ عمومی با مفاهیم قرآنی صرف کرده است. همچنین کتاب «تفسیر نور» اثر مهم ایشان است که پس از انقلاب اسلامی تألیف و منتشر شده است.

حجت‌الاسلام قرائتی در این گفت‌وگو تأکید دارد مبانی قرآنی و روایی این بیانیه مهم باید مورد ارزیابی و تحلیل قرار بگیرد. او روح این بیانیه را امید، ایمان به خدا و اعتماد به امت اسلامی می‌داند و بر این باور است که جوانان نقش غیرقابل انکاری در تحقق مفاهیم بیانیه‌ای دارند که همچون شعارهای انقلاب اسلامی خاستگاه قرآنی دارد و باید ۴۰ سال پس از تحقق آن شعارها، در جهت به سرانجام رساندن آن‌ها تلاش کرد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

■ به عنوان نخستین پرسش بفرمایید با رویکرد قرآنی و روایی، بیانیه «گام دوم» انقلاب اسلامی را به لحاظ صدور و اهداف، چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

بیانیه «گام دوم» انقلاب اسلامی بهترین پیام پس از ده‌ها سال تجربه و مدیریت و حکومت‌داری اسلامی است که در ۲۲ بهمن ۹۷ از طرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صادر شد. این بیانیه نتیجه عمری تجربه همراه با تقوا و بصیرت و قرار گرفتن در خط فکری اهل‌بیت(ع) است؛ ازاین‌رو، ضروری است مبانی قرآنی و روایی آن مورد ارزیابی و تحلیل قرآنی و روایی قرار بگیرد. به اعتقاد من، روح این بیانیه عبارت از خوش‌بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.

■ رهبر انقلاب اسلامی در این بیانیه بیشتر جوانان را مورد خطاب قرار داده‌اند. به نظر شما علت تأکید بر جوانان چیست؟

نقش جوانان در قرآن و سیره معصومین(ع) دارای جایگاه والا و بی‌بدیلی است. قرآن کریم به جوانان سفارش می‌کند باید خود را در مصالح و مفاسد جامعه دخالت دهند؛ چنان‌که می‌فرماید: «یا بنی اقم الصلاه و امر بالمعروف و انه عن المنکر؛ پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان/۱۷)؛ یعنی جوان می‌تواند به معروف‌ها امر و از منکرات نهی کند.

■ با چه نشانه‌هایی می‌توان بر این مهم تأکید کرد که جوانان همواره در بطن انقلاب و پاسداری از ارزش‌های آن کوشیده‌اند و معنویت در میان آنان بیش از پیش رشد کرده است؟

حضور جوانان در راهپیمایی‌ها، توسعه فناوری توسط جوانان و توجه به معنویات نظیر حضور در مراسم اعتکاف از جمله همین نشانه‌هاست. رونق معنویت در میان جوانان در سال‌های پس از انقلاب را باید در زائران مکه و کربلا و مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده‌روی اربعین و دل کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه‌ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده‌اند، پیدا کرد.

■ مسئله دیگر، نقش گسترش «معنویت و اخلاق» در فضای عمومی جامعه و بازتاب این مسئله در قرآن و روایات است. به نظر شما در قرآن و روایات چگونه به این نقش اشاره شده است؟

خالق هستی در کتاب آسمانی، نگاه بشر را فراتر از مادیات قرار داده و برای هر کاری از دو زاویه مادی و معنوی مسائلی را مطرح کرده است. در فرهنگ اسلامی برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد؛ برای مثال، امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال این امور می‌رود، درصورتی که اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که مربوط به حفظ محیط زیست معنوی است، یک نگاه بالاتری دارد که می‌توان با نگاه فرامادی به مسئله نگریست؛ از جمله اینکه امربه معروف و نهی‌ازمنکر را راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر می‌داند.

■ یکی دیگر از مسائل مهم، منشأ قرآنی و روایی شعارهای انقلاب اسلامی است. به نظر شما خاستگاه شعارهای اصلی و اصیل انقلاب اسلامی چیست؟

غالب شعارهایی که مردم در این انقلاب دادند، منشأ قرآنی و روایی دارد. یکی از شعارهای ناب، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است. برای نمونه، قرآن درباره «استقلال» می‌فرماید: ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع ما هستید و استقلال ندارید؛ «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجه؛ و از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم به حجت و مجادله بر شما زبان نگشایند». (بقره/۱۵۰)

«آزادی» و «جمهوری اسلامی» نیز از شعارهایی هستند که مورد توجه جدی قرآن قرار دارند. برای نمونه به «جمهوری اسلامی» اشاره می‌کنم. در آیه «و شاورهم فی الامر؛ در کارها با آنان مشورت کن» (آل عمران/۱۵۹)، از طرفی به تشکیل جمهوری اسلامی امر شده و از دیگر سو به انجام دستورات الهی. در جمهوری اسلامی هم عزت نهفته است تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی که هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ‌کس بر رأی دیگری مقدم نیست.

■ به نظر شما برای تبیین مظاهر عزت جمهوری اسلامی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی چگونه می‌توان از آیات و روایات بهره‌برداری کرد یا به تعبیر دیگر بن‌مایه‌های قرآنی و روایی این عزتمندی را چه چیزهایی می‌دانید؟

مسلمانان باید باور کنند تمام عزت برای خدا و رسول و مؤمنان است. خداوند می‌فرماید: «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین و لکن المنافقین لا یعلمون؛ عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (و ذلت خاص کافران) ولیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند»(منافقون/۸). ناگفته پیداست که معنای عزت، داشتن ثروت و قدرت نیست بلکه معنای عزت، صلابت و نفوذناپذیری است. حال توجه کنید که پیش از انقلاب اسلامی، آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند، مردم حتی یک فرد از مسئولان یک شهر و روستا را نمی‌توانستند تعیین کنند ولی با لطف الهی پس از انقلاب و جانفشانی‌ها، این انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم‌سالاری و اراده ملی و اتکا به توانایی داخلی و امثال آن، برای ایران و ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» عزت‌آفرینی کرد.

■ قرآن درباره مسئله پیشرفت اقتصادی جامعه اسلامی چه نوع نگاهی را مطرح می‌کند؟

در یک کلام می‌توانم بگویم اسلام طرفدار توزیع عادلانه، به‌اندازه، بی‌اسراف و همراه با مدیریتی خردمندانه است. اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار باشد. ما باید از ظرفیت داخلی استفاده کنیم. قرآن از قول حضرت یعقوب(ع) به پسرانش سفارش می‌کند: «لاتدخلوا من باب واحد؛ همه از یک در وارد نشوید»(یوسف/۶۷)؛ یعنی برای پیداکردن یوسف(ع) نباید از یک طریق اقدام کرد. همچنین در قرآن کریم و روایات اسلامی برای رشد اقتصاد، مؤلفه‌های گوناگونی مطرح شده است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اقتصادی می‌توان به درونی بودن و عدم‌وابستگی اقتصاد اشاره کرد. در همین راستا قرآن می‌فرماید: «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا؛ خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود» (نساء/۱۴۱). مؤلفه دیگر این است که اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر اکرم(ص) هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می‌کرد، جوایزی که برای برندگان تعیین می‌نمود جوایز مولد بود.

دیدگاه

نگاهی به سنت‌شکنی جسورانه شهید مطهری

فیلسوفی که برای مردم کوچه و بازار داستان نوشت!

به راستی چه انگیزه‌هایی موجب می‌شود فیلسوفی در سطح استاد شهید مرتضی مطهری برای مخاطبان عادی و مردم کوچه و بازار داستان بنویسد؟ احسان حضرتی در یادداشتی که در خبرگزاری تسنیم منتشر کرده به پاسخ شهید مطهری به این پرسش پرداخته است. در بخشی از این یادداشت می‌خوانیم:

آن حکیم داستان‌نویس، زمانی که مجموعه دوجلدی داستان راستان (که آن را به رسم سپاس از زحمات پدر بزرگوارش در راستای تربیت و آشناسازی او با عمق تعالیم اسلامی به ایشان تقدیم نمود) را منتشر کرد ۴۱ سال داشت. او خود در دیباچه دردمندانه و آموزنده‌ای که بر این کتاب نوشت انگیزه‌اش از تدوین این کتاب و گروه مخاطبان هدف آن را چنین ذکر می‌کند:

این داستان‌ها، هم برای خواص قابل استفاده است و هم برای عوام، ولی منظور از این نگارش تنها استفاده عوام است زیرا تنها این طبقات‌اند که میلی به عدالت و انصاف و خضوعی در برابر حق و حقیقت در آن‌ها موجود است و اگر با سخن حقی مواجه شوند حاضرند خود را با آن تطبیق دهند.

روی همین اصل است که می‌بینیم امیرالمؤمنین علی(ع) در تعلیمات عالیه خود، بعد از آنکه مردم را به دو طبقه «عامه» و «خاصه» تقسیم می‌کند، نسبت به صلاح و به راه آمدن خاصه اظهار یأس و ناامیدی می‌کند و تنها عامه مردم را مورد توجه قرار می‌دهد.

در دستور حکومتی که به نام مالک اشتر نخعی مرقوم داشته می‌نویسند: برای والی هیچ کس پرخرج‌تر در هنگام سستی، کم کمک‌تر در هنگام سختی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقع‌تر، ناسپاس‌تر، عذرناپذیرتر، کم‌طاقت‌تر در شدائد از «خاصه» نیست. همانا استوانه دین و نقطه مرکزی مسلمین و مایه پیروزی بر دشمن «عامه» است، پس توجه تو همواره به این طبقه معطوف باشد.

■ می‌گفتند کتاب را به نام خودت منتشر نکن!

این فکر غلطی است از یک عده طرفداران اصلاح که هر وقت در فکر یک کار اصلاحی می‌افتند، زعمای هر صنف را در نظر می‌گیرند و آن قله‌های مرتفع در نظرشان مجسم می‌شود و می‌خواهند از آن ارتفاعات منیع شروع کنند. تجربه نشان داده معمولاً کارهایی که از ناحیه آن قله‌های رفیع آغاز شده و در نظرها مفید می‌نماید، بیش از آن مقدار که حقیقت و اثر اصلاحی داشته باشد، جنبه تظاهر و تبلیغات و جلب‌نظر عوام دارد.

از ذکر این نکته نیز نمی‌توانم صرف‌نظر کنم در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستان‌ها بودم، بعضی از دوستان ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی این کتاب، از اینکه من کارهای به عقیده آن‌ها مهم‌تر و لازم‌تر خود را موقتاً کنار گذاشته و به این کار پرداخته‌ام، اظهار تأسف کرده و ملامتم می‌نمودند که چرا چندین تألیف علمی مهم را در رشته‌های مختلف به یک سو گذاشته‌ام و به چنین کار ساده‌ای پرداخته‌ام.

حتی بعضی پیشنهاد کردند حالا که زحمت این کار را کشیده‌ای پس لااقل به نام خودت منتشر نکن! من گفتم چرا؟ مگر چه عیبی دارد؟ گفتند اثری که به نام تو منتشر می‌شود لااقل باید در ردیف همان اصول فلسفه باشد، این کار برای تو کوچک است. گفتم مقیاس کوچکی و بزرگی چیست؟ معلوم شد مقیاس بزرگی و کوچکی کار در نظر این آقایان مشکلی و سادگی آن است و کاری به اهمیت و بزرگی و کوچکی نتیجه کار ندارند؛ هر کاری که مشکل است بزرگ است و هر کاری که ساده است، کوچک.

اگر این منطق و این طرز تفکر مربوط به یک یا چند نفر می‌بود من در اینجا عنوان نمی‌کردم. متأسفانه این طرز تفکر - که جز یک بیماری اجتماعی و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالیه اسلامی چیز دیگری نیست - در اجتماع ما زیاد شیوع پیدا کرده. چه زبان‌ها را که این منطق نبسته و چه قلم‌ها را که نشکسته و به گوشه‌ای نیفکنده است.

به همین دلیل است که ما امروز از لحاظ کتب مفید و مخصوصاً کتب دینی و مذهبی سودمند، بیش از اندازه فقیریم. هر مدعی فضلی حاضر است ۱۰ سال یا بیشتر وقت صرف کند و یک رطب و یابس به هم ببافد و به عنوان یک اثر علمی، کتابی تألیف کند و با کمال افتخار نام خود را پشت آن کتاب بنویسد، بدون آنکه یک ذره به حال اجتماع مفید باشد اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم اینکه ساده و کسر شأن است، خودداری می‌کند. نتیجه همین است که آنچه بایسته و لازم است نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زائد و بی‌مصرف است پشت سر یکدیگر چاپ و تألیف می‌شوند.

عاقبه‌الامر در جواب آن آقایان گفتم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرد و نه تنها از تصمیم خود صرف‌نظر نمی‌کنم، بلکه در مقدمه کتاب از این پیشنهاد شما به عنوان یک بیماری اجتماعی نام خواهم برد. بعد به این فکر افتادم حتماً همان طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند کتاب‌های ساده -هر چند مفید- تألیف کنند، عده‌ای هم هستند که کسر شأن خود می‌دانند دستورها و حکمت‌هایی را که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند به کار ببندند!

نویسنده آن کتاب عامه‌پسند یاد شده، در مقدمه جلد دوم این کتاب که آن را در آبان ماه ۱۳۴۳ نوشته از نکته‌ای یاد می‌کند که برای ما به‌غایت درس‌آموز است و نشان می‌دهد استاد شهید در ارائه نظر خودشان درباره ضرورت تألیف آثاری از این دست برای عامه مردم چه اندازه صائب بوده‌اند و مردم چقدر خوب و دقیق ارزش و اعتبار اقدام متهورانه استاد را شناختند که ایشان در همان زمان کوتاه میان انتشار جلد نخست تا جلد دوم اثر با ابراز خوشوقتی از استقبال مردم، می‌نویسد: از طرف رادیو ایران به وسیله تلفن به اینجانب اطلاع دادند که در شورای رادیو تصویب شد از داستان‌های این کتاب در رادیو استفاده شود.

شهید مطهری به گواه آثار کم نظیرش هرگز در موضوعی وارد نمی‌شد، مگر آنکه نوشتن و ارائه آن کتاب یا مقاله یا سخنرانی را برای جامعه اثر بخش بداند و بخواهد گره از کار فروبسته‌ای بگشاید.

چنین عالم جامع‌الاطرافی که یک‌تنه چندین نفر بود! و فقیه، فیلسوف، سخنور، نویسنده و استاد دانشگاهی تراز اول به شمار می‌رفت، چه شد که ناگهان به نوشتن اثری داستانی با زبانی ساده و همه‌کس فهم برای عموم مردم و نوجوانان رو آورد و چرا آن قدر با جدیت و وسواس بر ضرورت فعلیت بخشیدن به چنین اقداماتی تأکید می‌کرد؟ آیا خود این مسئله و نفس توجه ایشان به مسئله داستان در خور توجه نیست و نباید مورد توجه پژوهشگران و صاحبنظران قرار بگیرد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که باید به آن اندیشید و ذهنیت جامعه را نیز متوجه آن کرد.

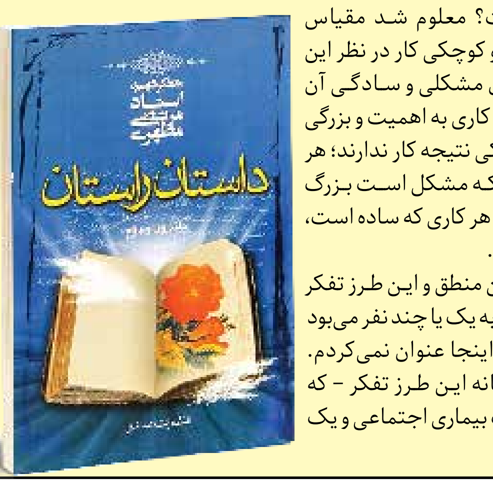

القصد إلى الله تعالى بالقلوب أبلغ من إتعاب الجوارح بالأعمال المودة.

به دل آهنگ خدا داشتن برتر است تا خسته کردن جوارح به عبادت.

برش گفت‌وگو

محیط‌زیست معنوی

در فرهنگ اسلامی برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد؛ برای مثال امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال این امور می‌رود، درصورتی که اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که مربوط به حفظ محیط زیست معنوی است، یک نگاه بالاتری دارد که می‌توان با نگاه فرامادی به مسئله نگریست؛ از جمله اینکه امر به معروف و نهی‌ازمنکر را راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر می‌داند.

خبر

از کارآموزی تا زندگی در مسجد

دبیر ستاد راهبری مساجد در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه گفت: باتوجه به اینکه ائمه جماعت مساجد، طلبه هستند، این رسالت را بر دوش حوزه‌های علمیه قرار می‌دهد تا در زمینه ارتقا و آموزش امامان جماعت برنامه‌ریزی کند و وارد عمل شود.

حجت‌الاسلام محمدمهدی مسلمی‌فر، دبیر ستاد راهبری مساجد در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس با اشاره به اینکه این ستاد در حوزه‌های علمیه با هدف تقویت مساجد راه‌اندازی شده، اظهار کرد: امام جماعت محور مدیریت مساجد است و با توجه به اینکه ائمه جماعت مساجد، طلبه هستند، این رسالت را بر دوش حوزه‌های علمیه قرار می‌دهد تا در زمینه ارتقا و آموزش امامان جماعت برنامه‌ریزی کند و وارد عمل شود. البته حوزه علمیه در این زمینه به دنبال تصدی‌گری در مساجد نیست، بلکه وظیفه ما صرفاً ارتقای امامان جماعت است.

وی با اشاره به اینکه برای این مهم برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت داریم، افزود: در فاز کوتاه‌مدت سامانه‌ای طراحی شده تا دوره‌هایی برای امامان جماعت فعلی و طلاب به صورت مجازی و حضوری برگزار کند که به این منظور افراد با نصب اپلیکیشن مسجدی‌ها می‌توانند وارد این سامانه شوند و از آموزش‌ها استفاده کنند.

مسلمی‌فر در پاسخ به این پرسش که شروع این آموزش‌ها به‌خصوص برای طلاب چقدر در جبران کمبود ائمه جماعت در مساجد کشور اثرگذار است، تصریح کرد: آموزش‌ها شروع شده و این وظیفه حوزه است، اما تربیت صرفاً با اعزام طلبه محقق نمی‌شود و دستگاه‌ها و ارگان‌های مختلف باید وارد کار شوند تا طلبه‌ای به عنوان امام جماعت در مسجدی مشغول به کار شود زیرا مباحثی مانند ارتزاق، محل اسکان و حتی مسائل حقوقی مسجد ابتدا باید حل شود تا یک طلبه به عنوان امام جماعت در مسجدی مستقر شود.

دبیر ستاد راهبری مساجد در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه گفت: در برنامه بلندمدت خود به دنبال آن هستیم که طلاب با مسجد زندگی کنند؛ یعنی طلاب حین آموزش‌های خود در حوزه، در مساجد هم کارآموزی کنند تا بتوانند در زمینه مسجدشناسی و همچنین مدیریت مسجد تبحر پیدا کنند.

وی ادامه داد: هم‌اکنون حدود ۵۰۰ حوزه علمیه در سراسر کشور مشغول به کار هستند؛ در مرحله اول و آزمایشی، این حوزه‌ها با یک مسجد ارتباط گرفتند و تعدادی از طلبه‌ها مشغول کارآموزی هستند. بنا داریم نتایج این طرح را بررسی کنیم تا ان‌شاءالله وارد مرحله اجرایی شود.

مسلمی‌فر با بیان اینکه امام جماعت، مدیر ذاتی مسجد است و نهادهای دیگر مانند کانون‌های فرهنگی و هنری، بسیج، سازمان تبلیغات و... بازوی کمکی او هستند، گفت: در مدیریت مساجد نباید به دنبال ایجاد تمرکز در یک نهاد و دستگاه بود. همه نهادها باید به امام جماعت کمک کنند تا او مدیریت کند.

وی با اشاره به اینکه اپلیکیشن مسجدی‌ها به عنوان یک نرم‌افزار اتوماسیونی برای استفاده تمام ارگان‌ها ایجاد شده، گفت: در کشور حدود ۷۰.۸۰ هزار مسجد داریم که نهادهای مختلف وظیفه خدمت‌رسانی به آن را دارند. تمام نهادها می‌توانند با استفاده از این نرم‌افزار خدمات خود به مساجد را سازماندهی کنند.

آگهی فقدان سند مالکیت
آگهی دعوت از مالکین مشاعی
آگهی دعوت از مالکین مجاورین
آگهی فقدان سند مالکیت